

پیشنهاد مجلس برای افزایش حقوق کارگران ۴ میلیون تومان



به گزارش خانه ملت، عضو فرآکسیون کارگری مجلس با اعلام این خبر که این فرآکسیون حداقل دستمزد برای کارگران را چهار میلیون تومان پیشنهاد داده، تاکید کرد مرکز پژوهش‌های مجلس خط فقر را در تهران ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اعلام کرده است. زهراسعی در تشریح جزئیات نشست روز یکشنبه (۱۴ بهمن ماه) فرآکسیون کارگری مجلس گفت: در این نشست این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به وجود تورم، افزایش نرخ‌ها و نوساناتی که در شرایط کنونی در بازار وجود دارد باید مبلغ چهار میلیون تومان به عنوان حداقل حقوق برای کارگران تعیین شود.

نماینده تبریز در مجلس ادامه داد: این رقم در پی محاسباتی که از طریق فرمول‌های موجود در حوزه اقتصادی برای پرداختی به کارگران در سال ۹۸ پیشنهاد شده و امیدواریم با کمک دولت بتوانیم با افزایش حقوق این قشر شاهد ارتقای توان خرید قشر کم‌درآمد جامعه باشیم.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: هم‌اکنون قشر زحمتکش کارگر با مشکلات متعدد اقتصادی مواجه هستند و دستمزدهای آنها به دلیل بالا بودن مخارج زندگی پاسخگوی نیازهاشان نیست.

این نماینده مجلس تاکید کرد: در این نشست خط فقر از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس برای زندگی در شهر تهران سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اعلام شد.

عضو فرآکسیون کارگری مجلس یادآور شد: نماینده کارگران و مسئولانی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مرکز پژوهش‌های مجلس در این نشست حضور داشتند.

تجمع کارگران اهوایی

وارد بیست و دومین روز شد

کارگران پروژه قطار شهری اهو از اعتراض به تعویق در پرداخت مطالبات مزدی خود، بیش از ۲۲ روز است اعتراض می‌کنند.

به گزارش ایلنا، دور سوم از اعتراض کارگران پروژه ساخت قطار شهری اهو از ۲۳ ماه آغاز شده است. این کارگران در اعتراض به آنچه تاخیرهای طولانی در پرداخت معوقات مزدی خود می‌خوانند، دست از کار کشیدند و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این کارگران می‌گویند: حدود ۱۹ ماه دستمزد مربوط به سال گذشته و جاری کارگران پروژه قطار شهری به تاخیر افتاده لذا تصمیم گرفتیم دست به اعتراض بزنیم. به گفته آنها، طی یک ماه و نیم گذشته با پیگیری مستمر کارگران چهار ماه از مطالبات ۱۹ ماهه آنها پرداخت شده و باقیمانده است.

در همین حال، شهرام شاهین‌زاده، مدیرعامل قطار شهری اهو به ایرنا گفت: طی ۲۰ روز گذشته معادل ۴۵ ماه حقوق کارگران پرداخت شده و تا پیش از پایان سال نیز تلاش می‌کنیم حدود پنج ماه دیگر از معوقات مزدی کارگران را پرداخت کنیم.

وی با بیان اینکه برخی کارگران در اعتراضات اخیر خواستار پرداخت حقوق و تسویه حساب فوری سال ۹۶ هستند، افزود: ابتدا باید اسناد خزانه در فرابورس معامله شوند و برای تبدیل آنها به منابع مالی دست کم ۲۰ روز زمان نیاز است.

وی با اشاره به اینکه حقوق اعتراض برای کارگران محفوظ است و به عنوان مدیرعامل قطار شهری از آنها حمایت می‌کنم، اظهار داشت: شرکت کیسون به عنوان پیمانکار اصلی این پروژه به هر دلیل پاسخگوی مطالبات کارگران نیست و از همین رو کارگران به سمت کارفرمای اصلی می‌آیند که این نیز امری طبیعی است.

با حق مسکن ۱۰۰ هزار تومانی کارگران؛

حاشیه‌نشینی در کشور اوج خواهد گرفت

حق مسکن کارگران که به تازگی ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده، قاعدتاً قرار است بخشی از هزینه مسکن خانوارهای کارگری را پوشش دهد. با این حال، همان‌طور که بازاری می‌گوید، به رغم افزایش بی‌سابقه حق مسکن، رقم تعیین شده بیشتر معادل قیمت یک کیلو گوشت است تا اجاره یک محل برای سکونت. چرا حق مسکن در دستمزد، این قدر ناهمخوان با واقعیات زندگی کنونی مزدبگیران است؟ این نرخ چه تاثیری در حیات کارگران و زندگی شهری داشته و چه کسانی منتفعان سیاست‌های حاکم در حوزه مسکن و مستغلات هستند؟ این موضوعات در گفت‌وگوی پیش‌رو با ایمان واقفی، مترجم، پژوهشگر حوزه شهری و دانش‌آموخته جغرافیای شهری در دانشگاه دورهام انگلستان به بحث گذاشته شده است.



به عنوان حق مسکن در فیش حقوق کارگران ثبت شده بود.

این دوروند تاریخی باعث شده افزایش ۲٫۵ برابری حق مسکن از اساس بی‌معنی شود. در این روزها که هزینه هر کیلو گوشت قرمز به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده، حق مسکن ۱۰۰ هزار تومانی بیشتر به‌شوخی می‌ماند و باید در واقع آن رانه حق مسکن که حق بهره‌مندی از یک کیلو گوشت نامید. اجازه دهید حق مسکن را با قیمت مسکن مقایسه کنیم. گفته می‌شود میانگین قیمت مسکن در تهران به چیزی حدود متری ۱۰ میلیون تومان رسیده است، یعنی اگر شما خانه نداشته باشید برای یک خانه ۱۰۰ متری باید ماهی ۵٫۵ میلیون تومان اجاره پرداخت کنید. به عبارت دیگر با حق مسکن ۱۰۰ هزار تومانی تنها می‌شود اجاره ۲ متر جارا در تهران پرداخت کرد.

پس وقتی حق مسکن ارتباط حقیقی خود را با قیمت واقعی مسکن از دست داده، این افزایش ۲٫۵ برابری چه کار کرد دیگری داشته است؟ به باور من تاکید بر درصد افزایش به جای قدر مطلق افزایش حق مسکن یک کارکرد روانی دارد. این عدد می‌خواهد بار روانی شکسته شدن کمر کارگران زیر افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی را تقلیل دهد. ساخت اقتصادی کشور به سویی می‌رود که اقشار فرودست بیش از پیش توان پاسخگویی به هزینه‌های زندگی را از دست می‌دهند. در موقعیتی که سیاست‌گذاران امکان بهبود شرایط مادی زندگی کارگران راندارند معمولاً به سراغ راهکارهای روان‌شناختی می‌روند. تا آنکه نه خود معضل را بلکه توان ذهنی پذیرش معضل را تسهیل کنند. از این رو باور دارم افزایش ۱۲۰ درصدی حق

مسکن مطلقاً ربطی به بهبود کیفیت واقعی زندگی کارگران ندارد.

چرا چنین مبلغ اندکی برای حق مسکن طبقه‌ای که حداقل نصفی از جمعیت کشور هستند، در نظر گرفته می‌شود. مگر نه اینکه افزایش حق مسکن کارگران می‌تواند بر افزایش سرمایه در گردش حوزه مسکن و رونق آن و حداقل خروج آن از رکود یاری‌رسان باشد؟

رابطه میان حق مسکن و رونق اقتصادی را باید به عنوان میانجی چرخش حکمرانی شهری در چند دهه اخیر فهمید. تجربه تاریخی این مسأله راهگشاست. رکود بزرگی که در سال ۱۹۲۹ گریبان اقتصاد جهانی را گرفت در نهایت منتهج‌شکل‌گیری یک‌گامی جمعی جدید میان سیاست‌گذاران شد که ما آن را به نام «ولت رفاه» می‌شناسیم. در فضای پس از جنگ جهانی دوم هم اقتصاد ملی کشورهای غربی به سوی ارائه تسهیلات و خدمات به ساکنان شهر چرخید. عقلانیت حاکم بر دولت رفاه بر این اصل بنیادین بنا شده بود که با بهبود کیفیت زندگی، امکان مصرف بیشتر شهروندان فراهم می‌شود. هر چه ما از هزینه‌های خانوار بکاهیم، شرایط بهتری برای خرید کالا و بالتبع، تولید کالا مهیا می‌شود. بدین ترتیب عقلانیت دولت رفاه بر این اصل بنا شده بود که با حمایت از طرف تقاضا، عرضه‌نیز به حرکت درمی‌آید. به همین خاطر دولت رفاه اقدام به ارائه خدمات رایگان یا از آن قیمت در حوزه‌های بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل و البته مسکن می‌کرد. در دهه ۱۹۷۰ و با روی کار آمدن مارگارت تاجر در انگلیس

ساختمان نقش پررنگ‌تری در ساخت کلان اقتصاد پیدا کرده است تا آنجا که عده‌ای مسکن را پیشران اقتصاد ایران می‌دانند. به باور این دسته که از بد حادثه در بدنه سیاست‌گذار ما دست بالا دارند، برای حل مشکلات اقتصادی با به جریان انداختن و رونق بخشیدن به ساخت و ساز می‌توان از مهلکه گرخت و چرخ اقتصاد کلان را به حرکت درآورد. نتیجه آنکه بیشترین تسهیلات مالی و معافیت‌های مالیاتی نه به استفاده‌کنندگان (طرف تقاضا) از خانه بلکه به سازندگان (طرف عرضه) برج‌های سربه‌فلک کشیده و مال‌های لاچپری هدایت شده است. در واقع، براساس عقلانیت غالب کاسب کارسالار برای رونق اقتصادی نه کارگران که بساز و بفروش‌شان در اولویت‌اند.

چرا در شرایط فعلی رکود صنعت ساختمان، نرخ اجاره‌بها و ساختمان مرتباً در حال افزایش است. این صعود متکی بر چه منطقی است؟

بالا رفتن قیمت مسکن و اجاره‌بها درست زمانی که بازار مسکن بارکود مواجه است بعد دیگری از مسأله مسکن در ایران را نشان می‌دهد. منطقاً وقتی رکود حاکم است عرضه‌کننده باید قیمت کالای خود را پایین بیاورد تا بتواند خریدار پیدا کند اما وقتی یک کالا بیش از آنکه برای مصرف تولید شود، برای سرمایه‌گذاری ساخته می‌شود دیگر آن منطق پیشین پابرجا نیست. وضعیت مسکن نیز به همین شکل است. بخش قابل توجهی از بازار مسکن در ایران در چنگال سرمایه‌گذاران و بورس‌بازان گرفتار آمده است. به این ترتیب در چند دهه اخیر در مجموع بعد سرمایه‌ای مسکن رشد پیدا کرده و بعد مصرفی آن کاهش. این بدان معناست که سازندگان و حتی خریداران مسکن بیش از گذشته به دنبال کسب سود و نه استفاده از مسکن هستند.

حالا به این روند تاریخی توجه کنید که با بالا رفتن قیمت مسکن بسیاری از خانوارهایی که در گذشته توان خرید خانه را داشتند اکنون مجبور به اجاره‌نشینی هستند. براساس پژوهشی مطالعاتی طرح جامع مسکن، نرخ تملک خانه (صاحب‌خانه‌گی) از حدود ۷۱٫۵ درصد در سال ۱۳۸۵ به کمتر از ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. این آمار برای زمانی پیش از جهش قیمت‌های مسکن در دو سال اخیر است و امروز قطعاً خانوارهای بیشتری اجاره‌نشین شده‌اند. وقتی این روند مستاجر کردن خانوارها را نسبت به افزایش بی‌حد تعدد خاندهای خالی در نظر بگیریم متوجه «تجاری‌سازی» مسکن در دو دهه اخیر می‌شویم. تعداد خاندهای خالی در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۶۰ هزار دستگاه بوده حال آنکه این رقم در سال ۱۳۹۴ به چیزی حدود ۲ میلیون دستگاه رسیده است. این به ما می‌گوید سازندگان و خریداران خانه دست کم در این ۱۰ سال خاندهای خود را برای فروش با قیمت بالاتر در بازار نگه داشته‌اند. از آنجا که این طبقه، غالباً

در موقعیتی که

سیاست‌گذاران امکان

بهبود شرایط مادی زندگی

کارگران راندارند معمولاً

به سراغ راهکارهای

روان‌شناختی می‌روند تا اگر

نه خود معضل را بلکه توان

ذهنی پذیرش معضل را

تسهیل کنند

اندوخته کافی برای گذران زندگی دارد تمایلی به پایین آوردن قیمت خانه ندارد و به امید جهش قیمت بعدی حاضر است آن را در دوره رکود خالی نگه دارد. به همین جهت آن بخشی از شهروندان که تقاضای مصرفی دارند مجبورند برای به دست آوردن مسکن به اقتضانات بورس‌بازان و بسازفروش‌ها تن بدهند.

راهکارهای خانوارهای

کم‌درآمد در مواجهه با افزایش

قیمت‌ها در حوزه مسکن چیست و

برای مقابله موثر با این وضعیت چه

باید کرد؟

برای بحث راجع به راهکار خانوارهای کم‌درآمد باید از دو زاویه به مسأله نگریست. زاویه اول به راهکاری که تا به امروز این خانواده‌ها به کار گرفته‌اند، می‌پردازد و زاویه دوم متمرکز است بر راهکاری که سیاست‌گذاران باید بیاندیشند. اتفاقی که در ۳۰ سال گذشته برای خانواده‌های فرودست افتاده، در یک کلام «برون‌رانی» است یعنی با گذشت زمان این خانواده‌ها به مناطق و فضاهای دورتر از مرکز رانده شده‌اند. کافی ست به رشد حاشیه‌نشینی در اطراف تهران کنید. براساس آمار وزارت مسکن، جمعیت حاشیه‌نشین در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۱ از ۴ میلیون نفر به ۱۱ میلیون رسیده است. این رقم امروز قطعاً بیش از این عدد است. بخش دیگری از جمعیت همان‌طور که پیشتر توضیح دادم از طبقه صاحب‌خانه به طبقه مستاجر نزول پیدا کردند.

اما راهکاری که سیاست‌گذاران باید بیاندیشند فرو گذاشتن عقلانیت کاسب کارسالار و بازگشت به سیاست‌های خدمات اجتماعی ست. دولت و حاکمیت باید بتواند تعادل میان تقاضای سرمایه‌ای و مصرفی را دوباره برقرار کند. اگر مسکن را به دست‌های پنهان بازار بسپاریم هر روز با اجاره‌نشینی بیشتر، برون‌رانی فزاینده و نهایتاً حاشیه‌نشینی سربه فلک رسیده، مواجه خواهیم بود. باید به سیاست‌گذاران یادآوری کرد که دقیقاً در همین سال‌هایی که شعار دولت چابک و بازاری‌نشی یافت‌های فرسوده راسر می‌دهد، حکمرانان شهر بارسلون تعداد مسکن‌های اجتماعی خود را از ۷ هزار خانه به ۹ هزار خانه افزایش دادند. بنابراین قدم اول برای برون‌رفت از این وضعیت دست کشیدن بدنه سیاست‌گذاران و واگذاری تام و تمام مسکن به بخش خصوصی است.

راه به هیچ عنوان نمی‌پذیریم و قطعاً افزایش ۲۰ درصدی با توجه به شرایط ویژه اقتصادی در سال جاری به هیچ وجه برای جامعه کارگری رضایت‌بخش نخواهد بود. وی با اشاره به افزایش ۹٫۵ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۷ در جلسات پایانی سال گذشته گفت: اتفاقاتی که در سال ۹۶ در اقتصاد کشور رخ داد به هیچ وجه قابل مقایسه با شرایط اقتصادی در سال جاری نیست و نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که حداقل دستمزد کارگران در حال حاضر، حداکثر می‌تواند ۲۵ درصد از هزینه‌های زندگی را تأمین کند. عضو شورای عالی کار ادامه داد: تعجب می‌کنیم از اینکه وزیر کار در جایگاه رئیس شورای عالی کار به عنوان ناظر و تسهیل‌گر، پیش از آغاز مذاکرات نظر خود را در مورد دستمزد کارگران اعلام می‌کند.

میزان افزایش آن اظهار نظر کند ناشی از بی‌اطلاعی به حوزه روابط کار و عدم اشراف به وظایف قانونی است.

عضو کارگری شورای عالی کار با بیان اینکه موضوع افزایش دستمزد سال ۹۸ هنوز در دستور کار شورا قرار نگرفته که در خصوص آن تصمیم‌گیری شود، ادامه داد: اگر این گونه است که آقای شریعتمداری برای افزایش دستمزد تلاش می‌کند بنابراین وی بدون تشکیل شورای عالی کار و رعایت سه‌جانبه‌گرایی، میزان افزایش دستمزد را یک‌جانبه اعلام می‌کند. خدایی با تاکید بر اینکه برای نخستین بار است که یک مقام دولتی پیش از تصویب میزان افزایش دستمزد در شورای عالی کار، در خصوص این موضوع اظهار نظر می‌کند، افزود: ضمن تکذیب هر گونه مذاکره راجع به دستمزد در شورای عالی کار، اظهارات آقای وزیر

انتقاد عضو شورای عالی کار از اظهارات شریعتمداری

خدایی: وزیر کار اعتقادی به قانون ندارد

یا اینکه آقای شریعتمداری هیچ اعتقادی به سه‌جانبه‌گرایی و عمل به قانون ندارد و تصور می‌کند ایشان باید مزد را تعیین کند یا این اظهارات می‌تواند ناشی از عدم اشراف به قانون باشد. این فعال کارگری افزود: در سال جاری در خصوص ماده ۱۶۷ قانون کار بسیار بحث کردیم. این ماده، موضوع «تعیین دستمزد کارگران» را به شورای عالی کار که شورای مرکب از نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت است، واگذار کرده و اینک طرف دولتی پیش از آغاز جلسات دستمزد در خصوص

عضو شورای عالی کار، نسبت به اظهارات محمد شریعتمداری مبنی بر تلاش برای افزایش ۲۰ درصدی دستمزد کارگران برای سال ۹۸، انتقاد کرد. علی خدایی در گفت‌وگو با مهر، در واکنش به اظهارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اصفهان مبنی بر اینکه «افزایش حقوق ۲۰ درصدی کارگران در دستور کار است»، اظهار داشت: اظهار نظر آقای شریعتمداری راجع به دستمزد آن هم با اعلام عدد و رقم از دو دیدگاه قابل بررسی است. نخست